

## نقش اصناف در تحقق اقتصاد مقاومتی

داود چراغی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

### تعاادل

حدود سه میلیون واحد صنفی در زیربخش های تولیدی، توزیعی، خدماتی و خدمات فنی، در فرآیند تولید و توزیع کالا و خدمات مرتبط با زنجیره تامین فعالیت دارند. بطوریکه باتوجه به آخرین برآوردهای انجام گرفته از سهم چهار زیربخش اصناف در اقتصاد شامل اصناف تولیدی، خدماتی، خدمات فنی و توزیعی که با استفاده از داده های بانک مرکزی به قیمت جاری در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ و نیمه اول دهه ۱۳۹۰ انجام گرفته، نشان می دهد این بخش مهم بطور متوسط حدود یک چهارم تولید ناخالص ملی را در دست دارد. همچنین بیش از ۴۷ درصد اشتغال کشور نیز توسط اصناف خلق می شود و این بخش، نقش بسیار مهمی در اتصال حلقه بخش های تولیدی (داخل و خارج کشور) به مصرف کنندگان مختلف دارد. در این بین می توان اذعان داشت در صورت آماده شدن فضا و بستر رقابتی در چرخه اقتصادی کشور، فعالیت اصناف موجب افزایش سرعت گردش کالا و خدمات از یک سو و نقدینگی از سوی دیگر و به تبع آن، افزایش رشد و توسعه اقتصادی کشور می شود. براین اساس در صورت برنامه ریزی و سیاستگذاری مناسب، فعالیت های اصناف در زنجیره تامین و عرضه کالا و خدمات در بخش بازرگانی داخلی، می تواند یکی از ارکان موتور رشد اقتصاد کشور باشد.

اهمیت اصناف در اقتصاد ایران و در شرایط فعلی، از آن جهت است که بخش عمده ای از فعالیتهای اقتصادی در چرخه و زنجیره تولید، نگهداری، حمل و نقل، فرآوری، عمده فروشی و در نهایت خرده فروشی کالاها و خدمات در ایران از گذشته دور، توسط واحدهای صنفی شناخته شده تحت نام اصناف، انجام می گیرد. برآورد انجام گرفته نشان می دهد سهم اصناف در اقتصاد ایران در سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱، به قیمت جاری بین ۲۲،۲ درصد تا ۲۷،۳ درصد در نوسان بوده که ۱۲،۲ تا ۱۵ درصد آن سهم اصناف توزیعی شامل فعالان عمده فروشی و خرده فروشی، سهم بیش از ششصد هزار واحد صنفی تولیدی نیز بین ۴ تا ۴،۹ درصد و سهم اصناف خدماتی به خصوص در فعالیتهای مرتبط با انبارداری و حمل و نقل بین ۶ تا ۷،۴ درصد در نوسان بوده است. با در نظر گرفتن این ارقام، می توان اذعان داشت در سالیان اخیر فقط سهم بخش نفت از تولید ناخالص ملی بیشتر از سهم بخش اصناف از اقتصاد است. در این بین نکته قابل توجه، مقایسه سهم شرکت های صنعتی دارای مجوز ثبت شرکت ها و پروانه بهره برداری از وزارت صنعت، معدن و تجارت در اقتصاد کشور و بنگاه های صنفی زیرمجموعه مرکز اصناف و بازرگانان ایران است به نحوی که بنگاه های زیرمجموعه اصناف اعم از توزیعی، تولیدی و خدماتی تقریباً سه برابر شرکت های صنعتی زیربخش صنعت (صنایع متوسط و بزرگ بدون احتساب صنایع کوچک یا اصناف تولیدی) از تولید ناخالص داخلی کشور سهم دارند.

شایان ذکر است که تعداد واحدهای صنفی از حدود چهارصد هزار واحد (هشتاد نفر مصرف کننده به ازای هر واحد صنفی) در سال ۱۳۵۷، به بیش از دو میلیون واحد صنفی (۳۹ نفر مصرف کننده به ازای هر واحد صنفی) دارای پروانه کسب افزایش یافته است که با احتساب حدود یک میلیون واحد صنفی بدون پروانه کسب به ۲۶ نفر به ازای هر واحد صنفی و در مجموع به ۳ میلیون واحد صنفی در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است. با همین روند سهم اصناف از تولید ناخالص داخلی نسبت به سایر بخشهای اقتصادی در این سالها افزایش یافته است.

البته باید توجه داشت که هرچه ارزش تولید و اشتغال اصناف در اقتصاد کشور افزایش یافته اما توجه مجموعه حاکمیتی کشور و بطور اخص قوه مجریه متناسب با آن نبوده است. از جمله فعالیتهایی که نسبت به آن توجه لازم مبذول نشده است، جمع آوری، پردازش، برآورد و انتشار آمارهای مختلف اقتصادی کشور است که بطور حتم پیش نیاز هرگونه برنامه ریزی و سیاستگذاری در این بخش است. در حال حاضر بر اساس مجموعه آمار و اطلاعات منتشر شده توسط نهادهای اصلی متولی آمار ایران یعنی بانک مرکزی و مرکز آمار، می توان اذعان داشت که آمار و اطلاعات اصناف جایگاهی در این مجموعه ها ندارد. حداکثر اطلاعات و آمار انتشار یافته اصناف مربوط به برآورد تعداد واحدهای صنفی (توسط مرکز اصناف و بازرگانان ایران) و همچنین آمار مربوط به بازرگانی داخلی شامل عمده فروشی و خرده فروشی، رستوران و هتلداری به قیمت ثابت و جاری در ترازنامه سالانه بانک مرکزی است. درحالیکه اصناف در طیف وسیعی از چرخه فعالیتهای اقتصادی از تولید تا ذخیره سازی و نگهداری، حمل و نقل، فرآوری و در نهایت عمده فروشی و خرده فروشی فعالیت دارند. بدون شک تسلط بر وضعیت آماری موجود در این مجموعه فعالیت ها کمک شایانی به تدوین برنامه های عملیاتی اقتصاد مقاومتی خواهد کرد.

وجود ویژگیهای فوق الذکر، حکایت از ارتباط ارگانیک فعالیت های اصناف با نظام های تجاری، مالی و دیگر بخش های نظام اقتصادی کشور دارد. درواقع این بخش، نظام مویرگی است که پیوند حیاتی تمام فرآیندها در زنجیره تامین تا عرضه کالا و خدمات را در چرخه اقتصادی کشور با یکدیگر برقرار می کند. لذا استحکام این بخش در برنامه عملیاتی مقاوم سازی اقتصاد کشور از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در سالیان اخیر باتوجه به مطالعات و بررسی های انجام گرفته به خصوص برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی و همچنین بهینه کردن منافع کشور، موضوع اقتصاد مقاومتی مطرح شده است. بطوریکه تولید ملی و درآمد ملی با تمرکز بر توان و پتانسیل داخلی برنامه ریزی و سیاستگذاری شود. در این ارتباط شفاف و روان سازی نظام توزیع و ارتقا شاخص های عدالت اجتماعی، محور قرار دادن رشد بهره وری و سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف و ... مورد توجه قرار گرفت. بدیهی است سوق دهی اقتصاد به سمت تامین بخش اعظم کالاها و خدمات مورد نیاز از تولیدات داخلی بجای واردات تا حدود زیادی موجب بی تاثیر شدن اقدامات کینه جوین کشورهای متخاصم می گردد. چرا که مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان می دهد، در صورت اصلاح سیاستهای کلان اقتصادی کشور، اقتصاد ایران توان و پتانسیل تولید کالاها و خدماتی افزون تر از نیاز مصرف داخلی در زمینه بسیاری از اقلام را دارد.

آنچه مسلم است اقتصاد ایران در دور جدیدی قرار گرفته که ضرورت دارد بصورت هوشمندانه و با مطالعه و برنامه ریزی مطلوب اقدام به اتخاذ سیاستهای مناسب جهت رشد و توسعه پایدار و متوازن اقتصاد کشور گردد. در این زمینه نقش و اهمیت شناسایی مسائل، مشکلات و تنگناهای مختلف پیش روی اقتصاد کشور و ارائه راهکارهای مناسب و بهنگام حائز اهمیت است. توجه به اصلاح سیاستها و اقدامات اقتصادی کشور در چارچوب سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، کمک زیادی به رشد و توسعه مستمر و دائمی همه بخشها از جمله بخش اصناف می نماید. البته باتوجه به گرایش بیشتر اصناف به رویکرد سنتی و تمرکز بیشتر بر کسب تجربه در بازار بجای توجه بیشتر برای افزایش سطح دانش عمومی و تخصصی در این بخش به خصوص نمایندگان آنها در تشکلهای صنفی مختلف زیرمجموعه اتاق اصناف ایران، لازم است اقداماتی برای آشنایی و آگاه سازی عموم اصناف با اصول و روشهای

مطلوب چگونگی گسترش اقتصاد مقاومتی در این بخش صورت پذیرد. براین اساس باید اقداماتی جهت ساده‌سازی مقررات و آشنا نمودن صنوف به خصوص اعضای هیات مدیره تشکلهای صنفی با اصول ابلاغی اقتصاد مقاومتی تهیه و تدوین شود.